

هشتاد

میل جان در حکمت است و در علوم
میل تن در باغ و راغ است و کروم
میل جان اندر ترقی و شرف
میل تن در کسب و اسباب علف
گر بگویم شرح این بی حد شود
مثنوی هشتاد تا کاغذ شود

مثنوی معنوی، دفتر سوم

۱. ربع قرن فعالیت

مجله‌ی رشد آموزش زیست‌شناسی با انتشار این شماره که از قضا هشتادمین شماره هم هست، بیست و پنجمین سال عمر خود را پشت سر می‌گذارد؛ یعنی به ربع قرن کوشش برای گسترش کیفیت آموزش زیست‌شناسی کشور پایان می‌دهد و وارد بیست و ششمین سال زندگی خود می‌شود.^۱ بد نیست در این جا به قصد مقایسه‌ی موقعیت نخستین و کنونی مجله و نیز وضعیت جامعه‌ی آموزشی زیست‌شناسی، به نخستین شماره‌ی مجله سر بزیم و مقصد و مقصود از انتشار را در آن بخوانیم. در نخستین صفحه‌ی نخستین شماره‌ی مجله‌ی رشد آموزش زیست‌شناسی که در پاییز ۱۳۶۴ منتشر شده است، چنین می‌خوانیم:

... شمه‌ای از وضع نامطلوب کنونی را شرح می‌دهیم تا خوانندگان برای تصور و تصدیق وضع مطلوبی که با نشر این مجله بدان باید رسید، آمادگی بیش‌تر پیدا کنند:

وضع کنونی چنین است که معلمان پس از فراغت از تحصیل ارتباط منظم و مستمری با رشته‌ی تحصیلی سابق خود که رشته‌ی تدریس فعلی آنان است، ندارند. بسیاری از آنان به حکم

وظیفه و شوق خدمت به شهرها و حتی بخش‌های دورافتاده می‌روند و به بحث و درس و استاد و کتاب و کتاب‌خانه و کتاب‌فروشی دسترس ندارند. تنها کتابی که ناچار در دست آن‌هاست، غالباً همان کتاب درسی آن‌هاست که در آن هر ساله تغییراتی کلی و جزئی روی می‌دهد، بی‌آن‌که دلیل آن تغییرات را شنیده یا دانسته باشند. گاهی بخش‌نامه‌ای که موفق شده خود را از لابه‌لای مقررات و موانع اداری تا دفتر مدرسه برساند، به دست معلمان می‌رسد که آن هم لحنی اداری و خشک و کوتاه دارد. کلاس‌های آموزش ضمن خدمت نیز اگر تشکیل شود، کافی نیست و هم‌چون باران بهاری کوتاهی است که تند می‌بارد و زود می‌ایستد و دوباره گرمای سخت و تشنگی آغاز می‌شود. اما این صدها هزار معلمی که برای سربلندی و نجات جامعه‌ی خود در روستاهای مهجور و شهرهای دور میهن خود خدمت می‌کنند، محتاج یک جویبار جاری مداومی هستند که آب زلال سرچشمه‌های علم و تجربه را آهسته و پیوسته همواره در دسترس آنان قرار دهد. آیا رشد آموزش زیست‌شناسی می‌تواند آن جویبار جاری همیشگی باشد؟ امید ما این

است، تا خدا چه خواهد ...

البته در این جا نمی‌خواهیم به قصد تبلیغ از پیشینه‌ی خود دفاع کنیم یا به توجیه کرده‌های خود در این ربع قرن فعالیت علمی - آموزشی بپردازیم یا از زحمات‌های کسانی که در این مدت در راه اعتلای آموزش زیست‌شناسی کشور تلاش کردند، سپاس‌گزاری کنیم. داوری را نخست به داور یگانه و سپس به شما وامی‌گذاریم که معتقدیم در این باره به عدل قضاوت خواهید کرد. هم‌چنین معتقدیم که خود شما درباره‌ی پیشرفت وضعیت آموزشی از بیست و پنج سال پیش تاکنون خوب قضاوت خواهید کرد. اما، به مناسبت هشتادمین شماره و نیز ورود مجله به دومین ربع قرن عمر خود، در این شماره گفت‌وگویی درج کرده‌ایم با دکتر احمد مجد، استاد و چهره‌ی ماندگار زیست‌شناسی کشور که از بنیادگذاران و نخستین اعضای هیئت تحریریه‌ی این مجله بوده‌اند.

۲. نوشتن بهتر از ویراستاری؟

یکی از ویژگی‌های زبان فارسی آن است که حتی وقتی نوشته‌ای چند صدساله را می‌خوانی، به آسانی مقصود نویسنده را درمی‌یابی و در برخی موارد، اگر نام نویسنده را ندانی ممکن است



تصور کنی که آن را همسایه بغل دستی همین دیشب نوشته است. مثلاً نظامی گنجوی، شاعر بزرگ قرن ششم هجری در ذیل قسمت «تنها ماندن شیرین و زاری کردن وی» در یکی از پنج مثنوی ماندگار خود: «خسرو و شیرین»، چنین سروده است:

«بُود بیماری شب جان سپاری

ز بیماری بتر بیمار داری»

و نزدیک به هشتصد سال بعد از آن یکی از طنزپردازان که معاصر ماست، به مصرع دوم آن مصرعی افزوده و بیتی چنین از آب درآورده است:

«ز بیماری بتر بیمار داری

نوشتن بهتر از ویراستاری».

حقیقت نهفته در این بیت شعر دورگه‌ی طنزآلود چنان آشکار است که کسانی که امروزه دست در کار ویرایش دارند، آن را دلنشین و دلپذیر و زبان حال خود می‌دانند. چون شوربختانه فن ویرایش به ویژه ویرایش متن‌های علمی آن چنان که باید و شاید در جامعه‌ی ما رواج نیافته و هنوز چندان مقبول نیست. ای بسا مؤلف یا مترجمانی که بحق یا به ناحق از ویراستار خود دل خوش ندارند و سایه‌ی او را با تیر می‌زنند؛ چون عقیده دارند که طرف جایگاه خویش را به درستی درک نکرده یا پای از گستره‌ی وظایف خود فراتر نهاده است.

از سوی دیگر بسیاری از ویراستاران علمی که معتقدند برخی از افرادی که برای علم‌ورزی، پژوهش و آموزش علم تربیت شده‌اند، آداب نوشتن نمی‌دانند و با ترجمه‌های تحت‌اللفظی و با بی‌دقتی‌های خود تیشه به ریشه‌ی زبان مادری می‌زنند. به طوری که ویراستن متنی که آنان ساخته‌اند، از نوشتن دوباره دشوارتر است و لذا است که نوشتن را بهتر از ویراستاری می‌دانند.

۳. آفرینش سلول مصنوعی؟

یکی از خبرهای مهم دنیای زیست‌شناسی در هنگام نوشتن این سطور (خرداد ماه ۱۳۸۹) خلق سلول مصنوعی در آزمایشگاه است. این خبر یکی از مهم‌ترین خبرهایی است که از دنیای پژوهشگران زیست‌شناسی به بیرون نشت کرده و جامعه را با اظهارنظرهای مخالف و موافق بسیار روبه‌رو کرده است. بی‌گمان خلق حیات مصنوعی یکی از بحث‌انگیزترین زمینه‌های علم زیست‌شناسی به‌شمار می‌رود و آن را در نخستین دهه‌ی هزاره‌ی سوم به مؤثرترین علوم تجربی تبدیل کرده است. لذا، در این شماره ترجمه‌ی گفت‌وگویی درج کرده‌ایم با تیم سازنده‌ی این سلول مصنوعی، یا با عنوان درست‌تر، ژنوم مصنوعی. در این گفت‌وگو سازندگان نخستین ژنوم مصنوعی به بسیاری از پرسش‌های رایج پاسخ داده‌اند.

۴. سوسن چلچراغ

تصویری که روی جلد این شماره مشاهده می‌کنید، عکسی است از سوسن چلچراغ^۳ (*Lilium lederbourii*) گیاه بسیار کمیاب و یگانه گیاه ملی ایران. این گیاه در سال ۱۳۵۴ که «لدربوری»^۴ گیاه‌شناس فرانسوی در منطقه‌ی داماش از بخش عمارلو در رودبار استان گیلان آن را شناسایی کرد، از سوی شورای عالی محیط‌زیست وقت کشور به عنوان تنها گیاه ملی ایران، در زمره‌ی آثار طبیعی ملی کشور به ثبت رسید.

سوسن چلچراغ گیاهی علفی و پایاست، پیاز آن تخم‌مرغی شکل، اندکی نامتقارن و باریک است، ۷-۴ سانتی‌متر قطر دارد، سفید یا سفید مایل به زرد و پولک‌دار است.

ساقه‌ی سوسن چلچراغ راست با

۵۰-۱۵۰ سانتی‌متر طول، ضخیم، محکم و سبز دارای شیارهای کم‌عمق است. برگ‌های آن راست و نوک تیزند و گستره‌ای تقریباً به اندازه‌ی ۲۰-۱۰×۱۴-۱۰ میلی‌متر دارند. برگ‌های بالای ساقه کوچک‌ترند. گل‌های این گیاه سفید، معطر و واژگون‌اند و ۶-۵ سانتی‌متر قطر دارند. گلبرگ‌ها نیزه‌مانند، ۷/۵-۱/۸×۷/۵-۱/۵ سانتی‌متر وسعت دارند و نقطه‌های سرخ مایل به قهوه‌ای در حاشیه‌های آن‌ها مشاهده می‌شود. گل آذین خوشه‌ای، شهدان‌ها سبز، دانه‌های گرده سرخ، خامه بسیار بلندتر از بساک‌ها و کلاله سبز است. کپسول میوه ۴۵-۳۰×۳۲-۲۵ میلی‌متری است و راست و واژگون و تقریباً شش‌وجهی است. سوسن چلچراغ در خرداد ماه به گل می‌نشیند. زیستگاه گل سوسن چلچراغ زیستگاهی حفاظت‌شده به مساحت ۵۷۰۰ مترمربع در ارتفاع ۱۹۰۰-۱۷۰۰ متری در ۴۴ دقیقه و ۳۶ درجه شمالی و ۴۸ دقیقه و ۴۹ درجه طول شرقی در نزدیکی روستای داماش در استان گیلان است. بیابید محیط زیست‌مان را بهتر بشناسیم و آن را به نسل بعد بشناسانیم.

۵. تبریک

فرا رسیدن فصل پاییز، بهار تعلیم و تربیت، بر همه‌ی شما مبارک باد. والسلام

سردبیر

پی‌نوشت

۱. به علت حدود یک سال وقفه در انتشار مجله، این شماره آغازکننده‌ی بیست و چهارمین دوره انتشار مجله به شمار می‌رود؛ یعنی تعداد دوره‌های سالانه‌ی انتشار مجله یکی کم‌تر از عمر واقعی آن است.
۲. بدتر

3. *Lilium lederbourii* (Baker) Boissier 1882
4. *Lederbourii*